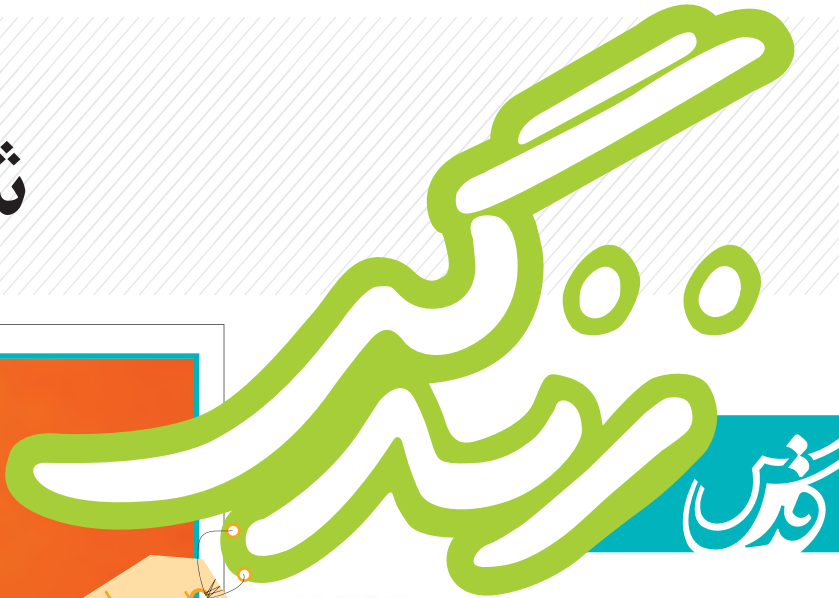




نگار

کلیدها



روزنوشته‌های علی محمد مؤدب|

دیدن یا دیده شدن؟

ما دوست داریم مثل همه نباشیم؛ دوست داریم بگویم فرق می‌کنیم، از کودکی این حس در همه ما هست؛ مدام به دنبال تمایزیم و این تمایز باید یک جایی خودش را نشان بدهد وگرنه شکست خورده‌ایم. شکست‌خورده‌ها گرفتار چرخه‌های خودتخریبی می‌شوند. مدام از خودشان بد می‌گویند و به کارهایی دست می‌زنند که به آن‌ها آسیب می‌زند. لباس خوب نمی‌پوشند، سیگار می‌کشند، به داروهای مخدر رو می‌آورند، ولگردی و خلاصه هر کاری می‌کنند تا باز بر تمایز خود تأکید کنند. اما نمی‌دانند آدم‌هایی که شب‌ها در گرمخانه‌های شهرداری می‌خوانند و آن‌ها که هنوز موسیقی‌های غمگین داریوش را گوش می‌دهند، همه همان متمایزهای شکست خورده‌اند که حالا از شکست برند ساخته‌اند. برندی که هیچ فایده‌ای ندارد جز اینکه احساس تمایز آن‌ها را در خیال خودشان ارضا می‌کند. اما چرا این طور می‌شود؟

ما باید یاد بگیریم که اصلاً نیازی به متمایز بودن نیست. ما از وقتی به دنیا می‌آییم، متمایز هستیم. هر کدام‌ما یکی یک‌دانه‌ای؛ اما درد اینجاست که این یکی یک‌دانه خلقت، چندان دیده نمی‌شود. البته آن که باید ما را ببینند، خودمان هستیم و کسی این نکته را به ما نمی‌آموزد. پرشش مهم این است که چطور باید خودمان را ببینیم؟ آیا باید جلوی آینه بایستیم یا عکس خودمان را به دیوار بچوبیم؟ دیدار با خود جز با دیدن دیگری ممکن نمی‌شود. اگر ما دیگران را لحظه لحظه ببینیم به دیدار خودمان رفته‌ایم. اگر اشیاء سنگ، کوه و چشمه را درست ببینیم، خودمان را درست دیده‌ایم. کسی که به چیزهای کوچک توجه دارد متوجه حضور خودش در میان حضور اشیاء هست. او نمی‌تواند از خودش غافل شود. دیدن دیگران هم توجه به این نکته است که آن‌ها هستند و بایست‌هایی دارند. مراعات بایست‌های هستی دیدار درست با خود ماست. بایست‌های دیگران بایست‌های ما هم هستند. دریا باید آبی و بیکران باشد و همسایه باید بتواند در کنار ما آرام باشد؛ به همین سادگی ما خودمان را داریم می‌بینیم و مراعات می‌کنیم. رساله حقوق امام سجاد(ع) از متن‌های زیبایی است که پادیهای ما نسبت به دیگران را فهرست کرده است و این پادیها در کنار هم جورچینی می‌سازند که ما را به خودمان نشان می‌دهد. ما همان هستیم که با کودکان این گونه رفتار می‌کنیم و با بزرگان این گونه، ما همان هستیم که حق دستانمان را این طور رعایت می‌کنیم و حق چشممان را این طور. کسی که مدام به دنبال دیده شدن باشد در همه حال نادیده خواهد ماند و آن که دیدن را آغاز کند به طور طبیعی دیده خواهد شد.

گفت‌وگوی قدس با نغمه مستشار نظامی، دبیر جشنواره شعر گوهرشاد

شاعران از شهدای عفاف سرودند

لاکچری‌ها در صف اول نفرات برتر کنکور ۹۸

جایی برای معمولی‌ها نیست!



عکس: یامین خسر و شاهی / ایستنا

بخشیه ۲۰ مرداد ۱۳۹۸
۹ خرداد ۱۴۴۰
شماره ۹۰۳
ZENDAGI@QUTONLINE.IR

ورزش

مکزیک هم حریف ذخیره‌های والیبالی ایران نشد

امروز ساعت ۲۰:۳۰ دوئل صعود با روس‌ها

مسعود ریگی در گفت‌وگو با قدس:

برای تیم ملی به استقلال پیوستم

مسعود ریگی قراردادش با استقلال را در هیئت فوتبالی ثبت کرد. او حالا رسماً بازیکن استقلال است. هرچند که پیش از این هم بود اما بعد از عقد رسمی قرارداد است که با قطعیت می‌توان گفت ریگی استقلال

شده است. بازی‌های خوب تیم شهرخودرو او را به یکی از گزینه‌های مهم در نقل وانتقالات لیگ نوزدهم بدل ساخت و باشگاه استقلال نیز بی‌آنکه معطل کند، برای به خدمت گرفتن این بازیکن با ظرفیت اقدام کرد. ریگی سرشار از انگیزه است. این وضعیت را می‌توان از لحن گفتارش بعد از عقد رسمی قرارداد با استقلال کاملاً متوجه شد. ریگی می‌خواهد بازیکن...

نگرانی‌هایی برای تیم یحیی و نیمکتش

«شهر خودرو» در محاصره مازادها؟

مجاز آباد

حج امسال متفاوت است



روز گذشته جمعی از کاربران عراقی و یمنی توئیتر، تلاش کردند تا با تولید محتوا در این شبکه اجتماعی، به هجمه‌های اخیر علیه سفر حج پاسخ دهند.

کاربران فارسی زبان هم پس از مدتی به این کمپین پیوستند. یکی از کاربران ایرانی در قالب هشتگ #الکعبه-تجمعا نوشته است: «از حج خونین در سال ۶۶ تاکنون شاهد تعرضات مختلفی از سعودی‌ها بودیم که در سال ۹۴ به اوج رسید. اما حج امسال متفاوت است، چراکه به‌خاطر رشادتهای محور مقاومت، سعودی‌ها جرت ابراز هیچ واکنشی ندارند».

شناسنامه‌ای با مهر قرمز



محمدرحیم آقایی‌پور، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در اسلونیای از جمله شهدای فاجعه نامه بود که در سال ۹۴ در مکه به شهادت رسید. دختر این دیپلمات شهید روایت دردناکی از سفر حج پدرش در اینستاگرام خود منتشر کرد و نوشت: «جرعه آخر شیر را سر می‌کشی و می‌روی توی اتاق به نوشتن وصیت و سه نامه برای مادر و برادر جان و فاطمه بانو! سر صبحانه نامه‌ها را می‌دهی دست مادر و می‌گویی: «فقط وقتی رفتم نامه‌ها رو بخونید». مادر ریز می‌خندد و می‌گوید: «عجب!ا داری کاری می‌کنی که بیشتر دلمون برات تنگ بشه».

بیستم مهری که قرار بود برگردی می‌شد ۱۸ روز پس از شهادت! همان روز شناسنامه ات با مهر قرمز دلخراش آمد دم خانه».

فرقی بین آقازاده‌ها و مردم عادی نیست



وزارت کشور یمن روز گذشته خبر شهادت ابراهیم بدرالدین الحوثی، برادر رهبر انصارالله یمن را اعلام کرد. کاربران فضای مجازی در واکنش به این خبر، هشتگ #ابراهیم-بدرالدین... الحوثی را در توئیتر داغ کردند. یکی از کاربران نوشته است: «یمنی‌ها با

جون و دل دارن از کشور و انقلابشون دفاع می‌کنن. در این راه فرقی هم بین آقازاده‌ها و مردم عادی نیست. اون‌ها با هم طعم قحطی رو می‌چشن و با هم داغ شهادت نزدیکانشون رو می‌بینن».

حسودی می‌کنیم!



امیرحسین ثابتی در صفحه شخصی توئیترش نوشت: «دکتر روحانی در جمع مسئولان وزارت خارجه گفته، عده‌ای تواناستند با هشت سال مذاکره مشکل هسته‌ای را حل کنند و حالا به ما حسودی می‌کنند!

بله ما حسودی می‌کنیم که نتوانستیم به دست خودمان در قلب راکتور اراک سیمان بریزیم و بعد هم تحریم‌ها علیه ایران بیشتر بشود. این هنری بود که هر کسی نداشت!»

محمد تربت‌زاده | شما را نمی‌دانیم، اما ما رسانه‌ها

خسته شدم از بس هر سال در روزهای پس از اعلام نتایج کنکور، به سوزه‌های نخنما شده «حذف کنکور»، «سهمیه‌ها» و «مؤسسات آموزشی» پرداخته‌ایم. امسال اما انگار علاوه بر تمام این‌ها، سوژه دیگری به نام «ابرابری آموزشی» هم نقل فضای مجازی و صحبت‌های داوطلبان همیشه معترض کنکور شده است. موضوع داغی که با استناد به سوابق تحصیلی داوطلبان، می‌گوید سیستم آموزش و پرورش طبقاتی شده و مسئولان این وزارتخانه هرچقدر هم خودشان را به آن راه بزنند، هیچ جوره نمی‌توانند اماری را که می‌گوید بیش از ۹۰ درصد رتبه‌های برتر کنکور در مدارس غیردولتی یا مدارس خاص درس خوانده‌اند، کتمان کنند.

سمپادی‌ها

حواشی کنکور معمولاً هر سال از چند روز پیش از برگزاری این آزمون آغاز می‌شود و تا روزهای پس از اعلام نتیجه ادامه پیدا می‌کند. حواشی امسال اما یک روز پیش از اعلام نتایج آغاز شد؛ زمانی که سازمان سنجش اسمی نفرات برتر کنکور ۹۸ را اعلام کرد. پس از انتشار اسمی ۱۰ نفر نخست کنکور سراسری رشته‌های علوم ریاضی و فنی، تجربی، انسانی و پنج نفر نخست رشته‌های زبان انگلیسی و هنر، موج انتقادهایی که از جای خالی دانش‌آموزان مدارس دولتی عادی در صف اول نفرات برتر کنکور گلایه داشتند، آغاز شد. بر اساس آمار سازمان سنجش، در میان ۴۰۰ نفر نخست کنکور سراسری، ۱۹ دانش‌آموز اهل تهران‌اند که ۶۶ درصدشان در مدارس غیردولتی و نمونه دولتی و ۳۳ درصد در مدارس سمپاد درس خوانده‌اند. این البته فقط آمار تهرانی‌هاست و اگر قصد داشته باشیم بیشتر روی ماجرا دقیق شویم، باید بگوییم بیش از ۹۰ درصد نفرات برتر شهرستان‌ها از مدارس خاص درس خوانده‌اند.

موضوع جدیدی نیست

هرچند ماجرای «عدالت آموزشی» برای نخستین بار سوزه رسانه‌ها شده اما اگر نگاهی به فهرست نفرات برتر کنکور در سال‌های گذشته بیندازیم، متوجه می‌شویم که هر چند اوضاع به وخامت امسال نبوده اما تقریباً هر سال درصد بالایی از نفرات برتر، دانش‌آموزان مدارس خاص بوده‌اند؛ موضوعی که حتی مسئولان هم به آن معترف‌اند. مثلاً علی زرافشان، معاون پیشین متوسطه وزارت آموزش و پرورش درباره عدالت آموزشی می‌گوید: «تشکیل و توسعه مدارس خاص و جداسازی نفرات برتر مدارس عادی دولتی و تجمع آن‌ها در مدارس خاص طبیعتاً موجب می‌شود ظرفیتهای کنکور در اختیار عده محدودی از دانش‌آموزان قرار بگیرد. در سال ۷۶ که هنوز مدارس نمونه، شاهد، استعدادهای درخشان و حتی مدارس غیردولتی مثل امروز توسعه نیافته بودند من بررسی‌ای انجام دادم که نشان داد این گروه از مدارس خاص که نزدیک به ۱۰ درصد مدارس شهر تهران را تشکیل می‌دادند، سهمشان در دانشگاه بیش از ۹ برابر ظرفیتشان است، به این معنی که حدود ۹۰ درصد ورودی دانشگاه‌ها از این نوع مدارس انتخاب می‌شدند. پس این اتفاق دست کم ۲۰ سال سابقه دارد و رویداد جدیدی نیست، ولی به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر این بی‌عدالتی‌ها تشدید شده است».

ماfiای چندوجهی

نمی‌شود همه چیز را انداخت گردن وزارتخانه آموزش و پرورش و مسئولانش و بی‌خیالی مافیای کنکور. البته مافیا نه به آن معنایی که در ذهن خیلی‌هایمان نقش بسته است. مافیاهایی که چند وجهی به‌حساب می‌آیند. یعنی ابتدا مؤسسات آموزشی می‌سازند، بعد می‌زنند توی خط چاپ کتاب کمک درسی برای کنکور و پس از آن هم شاخه‌هایشان را بند مدرسه‌سازی می‌کنند. بعد هم با توجه به سرمایه‌گذاری‌های نجومی‌شان در این زمینه، تا مغز استخوان به لایه‌های مدیریتی نفوذ می‌کنند و علاوه بر گرفتن مجوز برای فعالیت‌های فوق آموزشی در

مدارسشان، جلو حذف کنکور را هم می‌گیرند. حالا حساسیش را یکپند سروسوایی که از چند روز پیش راه افتاده، چند هزار خانواده را متقاعد می‌کند که سال آینده قید مدارس عمومی را بزنند و با پرداخت هزینه‌های هنگفت، فرزندانشان را به مدارس خاصی که اغلب توسط مافیای کنکور اداره می‌شوند، بفرستند.

کارشناس‌ها می‌گویند ایمن مدارس خاص، ویژگی منحصربه‌فردی ندارند جز اینکه با تبلیغات زیاد، دبیرهای برتر هر شهر را جذب می‌کنند تا دانش‌آموزان نخبه سر مدیران است! البته منظور کارشناس‌ها فقط مدیران دانه درشت نیست. آن‌ها می‌گویند چه مدیران بالادستی و چه مدیران میانی به دلیل فشارهایی که از سمت بالادستی‌ها به آن‌ها اعمال می‌شود یا به دلیل باورهای شخصی خودشان، اعتقاد دارند آموزش و پرورش باید با گسترش مدارس غیردولتی به سمت خصوصی‌سازی برود. البته مدیران تنها عاملان افزایش بی‌عدالتی در آموزش و پرورش نیستند. کارشناس‌ها می‌گویند تمام دولت‌ها چه این طرفی و چه آن طرفی، معتقد بوده و هستند که آموزش و پرورش بودجه زیادی را صرف می‌کند که این بودجه باید کاهش پیدا کند. به همین خاطر است که در دو دهه اخیر بودجه آموزش و پرورش در همه دولت‌ها یا افزایش پیدا نکرده یا از لحاظ عددی افزایش پیدا کرده است، اما با توجه به کاهش تورم و افزایش قیمت‌ها، در واقع عقب‌گرد داشته‌اند!

تا آرنج!

ماجرای وزارت آموزش و پرورش و بودجه ناچیزش کار را به جایی رسانده که خیلی از کارشناس‌ها بگویند ما اصلاً مدرسه دولتی نداریم! ابراهیم سحرخیز، معاون سابق وزارت آموزش و پرورش در این باره می‌گوید: «به نظر من تفاوت مدارس با یکدیگر هیچ ربطی به کیفیت آموزشی مثل ما که ساختار آموزشی‌اش را اهداف انقلاب اسلامی می‌بیند واقعاً زشت است!»

چهره زشت بی‌عدالتی

حالا که مافیای کنکور قصد ندارد دست از دانش‌آموزان بردارد و کنکور هم قرار نیست حالا حالاها شرش را کم کند، به نظر می‌رسد تنها راه همان پیشنهادی است که کارشناسان در روزهای اخیر مطرح کرده‌اند: پیشنهادی که می‌گوید حالا که در دو دهه اخیر خیلی از خصوصی‌سازی ندیده‌ایم، تمام مدارس کشورمان را دوباره دولتی کنیم. در این صورت دیگر هیچ مدرسه‌ای وجود ندارد که به پله‌های مختلف، امکانات لاکچری به دانش‌آموزان خاص ارائه دهد و از آن طرف هیچ مدرسه‌ای به وجود ندارد که به دلیل کمبود بودجه، کارآموز حق‌التدریسی سر کلاس بفرستد. موضوعی که هم با اصول آموزشی جدید همخوانی دارد و هم با اصل ۳۰ قانون اساسی.

با این همه اما خیلی‌ها هنوز می‌گویند رتبه‌های برتر کنکور خط چاپ کتاب کمک درسی برای کنکور و پس از آن هم شاخه‌هایشان را بند مدرسه‌سازی می‌کنند. بعد هم با توجه به سرمایه‌گذاری‌های نجومی‌شان در این زمینه، تا مغز استخوان به لایه‌های مدیریتی نفوذ می‌کنند و علاوه بر گرفتن مجوز برای فعالیت‌های فوق آموزشی در

